

از تأویل نشانه تا تحلیل فسانه

پژوهشی درباره‌ی تصویرسازی نجومی
در ایران تا پایان قرن چهارم هجری قمری

پژوهش و تألیف: عباس حمیدسمیعی



از تئاول نشانه تا حکیل فسانه

پژوهشی درباره‌ی تصویرسازی نجومی در ایران
تا پایان قرن چهارم هجری قمری

پژوهش و تألیف: عباس حمیدسمیعی



کتابخانه و اسناد ملی ایران

سرشناسه	: حمید سمیعی، عباس، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور	: از تأویل نشانه تا تحلیل فسانه، پژوهشی درباره‌ی تصویرسازی نجومی در ایران تا پایان قرن چهارم هجری قمری/ نویسنده: عباس حمیدسمیعی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۳۹۴ ص. مصور.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۶۱۸ - ۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر تحلیلی از کتاب "صورالکواکب الثابتة" نوشته عبدالرحمن صوفی رازی، منجم ایرانی قرن چهارم هجری قمری است.
موضوع	: نجوم - ایران - تاریخ - قرن ۴ ق. - صورت‌های فلکی
موضوع	: Astronomy - Iran - History - 10 th centry - Constellations
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ الف ۴/ح ۴۳/۳ QB
رده‌بندی دیویی	: ۵۲۰/۰۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	: ۵۳۳۵۰۸۰



از تأویل نشانه تا تحلیل فسانه

پژوهشی درباره‌ی تصویرسازی نجومی در ایران تا پایان قرن چهارم هجری قمری

پژوهش و تألیف: عباس حمیدسمیعی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپ صدف: ۱۱۰۰ نسخه

۴۹۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید- پلاک ۱۰۵ - واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvanashr.ir



مأخذ تصویر از مطلع کتاب احکام نجوم در بیان کواکب و برجها نوشته ابوریحان بیرونی،
ترجمه جلال همایی، انتشارات مجلس، تهران، ۱۳۱۶ ش

تقدیم بہ:

پونڈگان مسیٹرک اندیشہ و ہنر

و، ہمسر ہنر پرورم

و فرزند ہنر مند

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۹
چکیده.....	۱۴

فصل اول کلیات پژوهش

مقدمه.....	۱۵
تعریف مسئله.....	۲۳
پیشینه پژوهش.....	۲۴
اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه‌ی انتخاب آن.....	۲۶
سابقه‌ی فعالیت‌های پژوهشی محقق در این زمینه.....	۲۷
اهداف پژوهش.....	۲۸
سؤالات پژوهش.....	۲۸
فرضیات پژوهش.....	۲۹
مدل و روش پژوهش.....	۲۹
جامعه آماری.....	۳۰
کاربرد پژوهش.....	۳۰
اصطلاحات کاربردی در این پژوهش.....	۳۱
نتیجه‌گیری.....	۳۱

فصل دوم

جایگاه دانش نجوم پیش از ورود اسلام به ایران و پس از آن

پیشازرتشت.....	۳۳
آئین زروانی.....	۳۷
آئین مهر (میترا، میترا).....	۴۲
ظهور پیامبری به نام آشو زرتشت.....	۴۷
پسازرتشت.....	۵۲
مانی پیام آور.....	۵۲
مزدک.....	۵۴
زیج شهریار (شهریار).....	۵۶
چگونگی شکل‌گیری تفکر ایجاد صورفلکی در ایران، یونان، روم و سایر ملل.....	۵۷
اسطوره، منشأ پیدایش صورت‌واره‌های آسمانی.....	۶۱
اسطوره‌های بین‌النهرین، پهلوان‌نامه گیلگمش، قدیمی‌ترین مستند تاریخی جهان.....	۷۱
اسطوره‌های ایرانی.....	۷۶

۸۳		اسطوره‌های یونانی و رومی
۸۷		اسطوره‌های اسکندیناوی
۹۳		اسطوره‌های هندی
۹۷		اسطوره‌های مصری
۹۹		اسطوره‌های آفریقایی
۱۰۳		شکل‌گیری نجوم در چین
۱۰۸		اسطوره‌های ژاپن
۱۱۰		اسطوره‌های پولینزی (هاوایی، تاهیتی، مائوری و غیره)
۱۱۲		اسطوره‌های آزتک
۱۱۳		اسطوره‌های اینکا
۱۱۵		جایگاه دانش نجوم پس از ورود اسلام به ایران
۱۲۳		کاربرد صورت‌واره‌های نجومی در هیات و شبه علمی به نام تنجیم
۱۲۳		صورت‌فلکی چیست؟
۱۲۵		موارد استفاده از صورت‌واره‌های فلکی

فصل سوم

بررسی متغیرهای اجتماعی مؤثر در تشکیل سندی به نام صورالکواکب

۱۲۹		قدرت گرفتن خاندان آل بویه
۱۳۱		عضدالدوله دیلمی
۱۳۴		نشانه‌شناسی پوشاک
۱۳۵		پوشاک مردم ایران، کمی پیش از اسلام
۱۳۵		عناصر اصلی نقش‌مایه‌های پوشاک مردم در عصر امپراتوری ساسانی
۱۳۶		پوشاک مردم ایران در دوره اسلامی تا پیش از حکمرمایی آل بویه
۱۳۷		پوشاک مورد استفاده در دوران حکمرانی آل بویه
۱۳۸		مشخصات لباس سلاطین دیالمه
۱۴۰		مشخصات لباس وزیران دیالمه
۱۴۱		مشخصات لباس کارکنان دربار، امرا و بزرگان دیالمه
۱۴۲		مشخصات لباس علماء، فقها، کاتبان و قضات
۱۴۳		مشخصات لباس صوفیان و عارفان دیالمه
۱۴۴		مشخصات لباس مردم عادی
۱۴۶		مشخصات لباس زنان
۱۴۷		مشخصات لباس سپاهیان دیالمه
۱۴۸		نقش‌مایه‌های خاص به کار رفته در پارچه‌های دوران آل بویه
۱۴۹		عبدالرحمن صوفی، پیرو نهضت ترجمه
۱۴۹		زندگی‌نامه
۱۵۰		تحصیلات و مدارج علمی
۱۵۲		آثار و اقدامات پژوهشی برجای مانده
۱۵۲		کره سیمین
۱۵۴		ساخت رصدخانه طبرک

۱۵۴	صورالکواکب الثابته
۱۵۶	المجسطی بطلمیوس
۱۵۸	چگونگی اقتباس صورالکواکب از المجسطی
۱۶۱	مکتب بغداد (سده دوم تا هفتم هجری)
۱۶۳	نگاهی به تاریخ تصویرسازی ایران تا قرن چهارم هجری
۱۶۹	اهمیت ضرورت تغییر اشکال نجومی یونانی به اشکال نجومی ایرانی
	فصل چهارم

تحلیل بصری رمزگان نقش مایه‌های یگانه سند مصور نجومی قرن چهارم هـ ق

۱۷۱	نسخه‌شناسی
۱۷۵	نشانه و اهمیت نشانه‌شناسی در نجوم
۱۷۸	نشانه‌های نمادین، قراردادی یا سمبولیک
۱۷۹	نشانه‌های شمایی یا آیکنیک
۱۷۹	نشانه‌های نمایه‌ای یا ایندکسیک
۱۸۶	نشانه نجومی
۱۸۷	نحوه دسته‌بندی و تعیین نگاره‌های نجومی (نشانه‌سنجی)
۱۸۷	اسطوره‌های یونانی، منشأ نقش مایه‌های نجومی صورالکواکب
۱۸۹	دسته الف: صورت‌واره‌های انسانی
۲۲۱	دسته ب: صورت‌واره‌های حیوانی
۲۸۳	دسته ج: صورت‌واره‌های تلفیقی (انسان و حیوان)
۲۸۹	دسته د: صورت‌واره‌های مربوط به اشیاء
۳۱۵	دسته هـ: صورت‌واره‌های گیاهی
۳۱۸	دسته و: سایر نشانه‌های تصویری
۳۲۳	تشکیک در انتساب
۳۲۵	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل پنجم

صورت‌واره‌های نوین، دست‌آورد تلاش انسان معاصر

۳۲۷	مقدمه
۳۲۸	خلق اسطوره‌ی معاصر با تغییر اندیشه قدما
۳۳۰	نقش کاربردی پروژه عملی (تقویم نگاره نجومی)
۳۳۱	نتیجه‌گیری از کار عملی (ترسیم صورت‌های نوین آسمانی)

ضمائم و پیوست‌ها

۳۳۳	ضمیمه‌ی شماره‌ی (۱) جدول پوشاک
۳۳۳	جدول شماره‌ی (۲۱)، پوشاک مردان دوره‌ی ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ م)
۳۳۶	جدول شماره‌ی (۲۲)، البسه مردم عادی و رجال و زنان دوره اسلامی تا قبل از دیالمه (۱۱ الی ۳۲۰ هـ ق)
۳۳۷	جدول شماره‌ی (۲۳)، تنوع پوشاک در حکومت دیالمه (۳۲۰ تا ۴۴۷ هجری)
۳۴۱	ضمیمه‌ی شماره‌ی (۲)، فهرست صورت‌های فلکی کتاب المجسطی
۳۴۱	جدول شماره‌ی (۲۴)
۳۴۲	ضمیمه‌ی شماره‌ی (۳) جدول تحلیلی صورفلکی نسخه‌ی خطی بادلیان

- جدول شماره‌ی (۲۶)، جدول تحلیلی-توصیفی دو نمونه از پیکرواره‌های انسانی بر اساس نشانه‌های ظاهری ۳۴۴
- جدول شماره‌ی (۲۷)، جدول تحلیلی-توصیفی دو نمونه از پیکرواره‌های تلقیقی بر اساس نشانه‌های ظاهری ۳۴۵
- جدول شماره‌ی (۲۸)، جدول تحلیلی-توصیفی دو نمونه از پیکرواره‌های شیئی بر اساس نشانه‌های ظاهری ۳۴۶
- جدول شماره‌ی (۲۹)، جدول تحلیلی-توصیفی تنها نمونه پیکرواره گیاهی بر اساس نشانه‌های ظاهری ۳۴۷
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۴) جدول تطبیقی صورفلکی نسخ مختلف صورالکواکب ۳۴۸
- جدول شماره‌ی (۳۰)، مقایسه‌ی ۴۴ صورت "علی ما یری فی السماء" ۳۴۸
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۵) جدول تحلیلی نمونه بر اساس الگوی مارتین زولی ۳۵۵
- جدول شماره‌ی (۳۱)، تحلیل ممسک العنان، صورالکواکب، بر اساس الگوی زولی ۳۵۶
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۶)، نمونه تحلیل اثر بر اساس تقسیمات کارکردی موناخی ۳۵۶
- جدول شماره‌ی (۳۲)، بررسی فرس اعظم، صورالکواکب، بر اساس الگوی موناخی ۳۵۸
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۷)، جامعه‌ی آماری ۳۵۸
- جدول شماره‌ی (۳۳)، جدول جامعه آماری تصاویر مورد بررسی ۳۵۸
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۸)، نمودار ستونی جامعه آماری جدول شماره‌ی ۳۳ ۳۵۸
- جدول شماره‌ی (۳۴)، فهرست دوازده صورت‌واره‌های آسمانی نوین ۳۵۹
- جدول شماره‌ی (۳۵)، فهرست پیشنهادی صورفلکی جانشین برای سایر نقش‌واره‌های کهن ۳۶۰
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۹)، تصاویر نمونه‌ی دوازده پیکره‌ی آسمانی نوین ۳۶۱
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۱۰)، جایگاه پیکره‌های نجومی نوین در آسمان نیم‌کره‌ی شمالی زمین ۳۷۴
- ضمیمه‌ی شماره‌ی (۱۱)، پیکره‌های نجومی نوین در تقویم سال ۱۳۹۶ شمسی ۳۷۵
- ضمیمه شماره‌ی (۱۲)، جدول نشانه‌سنجی ۳۷۷
- جدول شماره‌ی (۳۶)، نشانه‌سنجی تصویر بر اساس مدل نگارنده ۳۷۸
- فهرست منابع و مآخذ

- منابع فارسی ۳۸۵
- منابع عربی ۳۸۹
- References ۳۹۰
- نشریات و مقالات ۳۹۱
- رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌ها ۳۹۲
- منابع اینترنتی و پایگاه‌ها استنادی ۳۹۲
- منابع میدانی ۳۹۲
- خودارجاعی‌ها ۳۹۳
- مطالعات تکمیلی ۳۹۳

پیش‌گفتار

هر انسانی که در طول عمر خویش، اندک گرایشی به تاریخ نجوم پیدا کرده باشد بی‌تردید با دریایی از سؤالات و تناقضات بی‌پایان مواجه می‌شود. با توجه به اتفاقات تاریخ علم، ستاره‌شناسی، فیزیک، سرشار از پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که مدام در میدان اندیشه می‌چرخند و به دنبال راهی برای نفوذ به حقیقت درون هستند. در این بین، اجرام سماوی اعماق کیهانشان که مانند فانوس دریایی، در جایگاه مشخصی از اقیانوس غیرقابل درکی به نام فضا غوطه‌ورند، خورشید تابان و ماه بدخشان، دنباله‌دارها و شخانه‌ها، سیارات ۸ گانه (به جز زمین)، آذرخش و رنگین‌کمان (که سابقاً شخصیتی آسمانی داشتند)، سحابی‌ها، شفق‌های قطبی، بین‌الطووعین و صدها پدیده دیگر، برای هزاران سال، اندیشه‌های فراوانی را به تکاپو واداشت تا مولد بی‌چون و چرای خرافات، رسوم و آئین‌های قومی باشند.

خوشبختانه به یاری دانش و فناوری، امروزه علاوه بر تفوق نسبی بر اموری که در طول زمان جنبه خرافی پیدا کرده بودند، به بسیاری از این سؤالات نجومی به لحاظ فنی نیز پاسخ‌های قابل قبولی داده شده است با این حال همچنان مسائلی (غالباً کیفی) در پرده ابهام باقی مانده‌اند که نیازمند روشنگری و اکتشاف هستند. مثلاً علی‌رغم توضیحات مدلل استفن هاوکینگ^۱ درباره‌ی سیاه چاله‌ها، هیچ درک یا تجربه عینی در خصوص این آبر چگال‌ترین توده‌های نامرئی جهان وجود ندارد. در خصوص تاریخ نجوم نیز کمابیش همین‌گونه است. دو مشکل اساسی همواره در تاریخ‌شناسی پیش روی ماست. یکی این که هیچگاه نمی‌توان مطمئن بود که آنچه در مستندات ثبت شده کاملاً مطابق با حقیقت (یا مفهوم "در زمانی") است و دیگر اینکه هر چقدر در تاریخ به عقب باز می‌گردیم شواهد و مدارک کمتر و حدس و گمان بیشتری پیدا می‌کنیم. در واقع به تعبیری دیگر، زمان، دشمن حقایق است. در همین رابطه، یکی از دغدغه‌های این پژوهش، چگونگی نگاه قدما به آسمان و دانش ستاره‌شناسی بوده و هست. قدمایی که در این‌جا از آن‌ها صحبت می‌شود دو دسته‌اند. مردم عادی و حکما. به هر حال، این که

چگونه تفکرات آئینی می‌تواند الگویی برای یک دیدگاه علمی یا هنری فراچنگ آورد یا با تغییر الگوهای از رونق افتاده دیگر، شالوده‌های نوینی را به بهانه کمال و آسایش برای انسان تعریف کند دست کم از روی تأویل آثار فرهنگی بر جای مانده از نیاکانمان قابل بررسی است. آیا آن‌ها همان گونه که ما امروزه آسمان را با چشم غیرمسلح می‌کاویم به افلاک می‌نگریستند؟ سپهر گردون پیش از ورود اسلام به ایران و پس از آن چگونه دیده می‌شد؟ اسطوره‌های قومی تا چه اندازه در شکل‌دهی به نظام نجومی اسلاف مؤثر بوده‌اند؟ یکی از اهداف مهم نگارنده در تحقیق حاضر، مطالعه و تحلیل تصاویری است که حکمای قدیم ایرانی در قرن چهارم هجری قمری از صورت‌های فلکی در ذهن داشته‌اند. قطع نظر از اینکه ترسیم این صور، نتیجه ترجمه نسخی از زیج^۱ های یونانی و هندی بوده یا خیر، برداشت شخصی صورتگران هنرمند آن دوره نیز در این باره در خور توجه است که با پیشرفت مطالب کتاب، نگاهی هم به این برداشتها خواهیم انداخت.

یکی از درخشان‌ترین کتب مصور باقی مانده از این قرن در حوزه نجوم، دست نگاشت یکی از دقیق‌ترین منجمین سلطنتی دربار آل بویه به نام عبدالرحمن صوفی رازی است. در مورد مطالب فنی کتاب او (صورالکواکب/الثابتة)، کتب و مقالات بسیاری از جمله *ابرمردان تاریخ ریاضی و نجوم ایران*، *ارجوزه صورالکواکب*، *"صورالکواکب الثابتة"* و عناوینی که در پیشینه به آن‌ها اشاره شده به رشته تحریر درآمده اما در هیچیک از آن‌ها، تصاویر صورت‌های فلکی این کتاب مورد تحلیل و بررسی بصری قرار نگرفته‌اند. پژوهش حاضر از آن رو همراه با نوآوری است که نخست، به دلیل فقدان نسخه‌ی اولیه کتاب، تحلیل دقیق تصاویر آن با دشواری‌های فراوانی روبرو بوده و برای پی بردن به نیت واقعی نگارنده و همچنین نیت تصویرگر آن، قیاس بین چندین نسخه مختلف از کتاب موصوف صورت گرفته است و دوم، بازخوانی نشانه‌های صورفلکی موجود در قدیمی‌ترین نسخ *صورالکواکب*، به زعم نگارنده برای اولین بار است که در ایران انجام می‌شود.

در یک نگاه خوش‌بینانه، شاید ساده بودن نقوش این تصاویر برای نقد و تحلیل، از مصادیق تقلیل نشانه‌های چند معنایی^۲ فیسک^۳ و سوق به ورطه‌ی حشو^۴ باشد که

۱- زیج معرب زیگ است و آن کتابی باشد که منجمان احوال و حرکات افلاک و کواکب را از آن معلوم کنند (لغت نامه دهخدا).

۲- آنتروپی Entropy، یا دِزگاشت یا آشفستگی، در رشته‌های گوناگون علمی، معانی متفاوت دارد. از آنجاکه این واژه انگلیسی، معادل فارسی مناسب ندارد برای بیان منظور نویسنده، از عبارت "نشانه چندمعنایی" استفاده شده است.

3 - John Fiske (1842-1901).

۴- کلام زائد که در وسط جمله افتد و بر سه قسم است، قبیح، متوسط و ملیح (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵۸).

موجب شده تا پژوهشگران این حوزه رغبتی به غور و تفحص عمیق‌تر در این‌باره از خود نشان ندهند. در خصوص مفهوم نشانه‌های چندمعنایی و حشو در فصل چهارم توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

با توجه به شرح فوق به نظر می‌رسد تمرکز زمانی این تحقیق باید مشخصاً بر روی اتفاقات سده چهارم هجری قمری (از ۹۱۲ تا ۱۰۱۰ میلادی) باشد با این حال ضرورتاً برای ریشه‌یابی آنچه مورد تحلیل قرار گرفته است به ازمه‌ی دورتری سفر کرده‌ایم. علاقمندان اسطوره‌شناسی با توجه به ارجاعات درون متنی و منابع پایانی، قادر خواهند بود تا میدان مطالعات خود را وسیع‌تر سازند و از ثمره‌ی تلاش پژوهشگران پیشین غنی‌تر شوند. بر این اساس انتظار می‌رود به واسطه‌ی این پژوهش، ضمن این که یک مرجع قابل استفاده در باب اسطوره‌شناسی و تاریخ هنر (به طور عام) در دسترس عموم قرار می‌گیرد تحلیلی جامع در مورد تصاویر نجومی قرن چهارم هجری (به طور خاص) نیز به پژوهشگران علاقمند به این دوره تاریخی ارائه شود. بی تردید با توجه به تمام تلاش‌های صورت گرفته، تصاویر نجومی موضوع تحلیل و برخی نشانه‌های مورد استفاده در آن‌ها همچنان به تحقیق، واکاوی و تأویل بیشتری نیاز دارند.

به رسم تألیف هر نخستین کتاب، نوشتار حاضر قطعاً از ایرادات شکلی و محتوایی مصون نیست بنابراین از خوانندگان ارجمند انتظار دارد ضمن تحمل کاستی‌ها، نگارنده را از نقائص موجود به شیوه مقتضی مطلع فرمایند.

بر عهده‌ی من است تا در همین‌جا، از راهنمایان، الهام بخشان و مددفرمایان فرهیخته خود در مسیر سترگ تهیه و تنظیم این اثر تشکر و قدردانی کنم. گذر از این سختی‌ها بدون تنویر، راهنمایی و هدایت ارزنده استاد مهدی حسینی^۱، آموزه‌های موثر مهندس سرفراز غزنی^۲، ویراستاری خانم لیلی بنی‌هاشمی^۳، نظرات مفید دکتر امیرمحمد گمینی^۴ و دکتر توفیق حیدرزاده^۵ در حوزه‌ی تاریخ علم، راهنمایی‌های

۱- استاد دانشگاه هنر تهران، استاد پردیس بین‌المللی فارابی و استاد راهنمای پژوهش حاضر.

۲- مؤسس و مدرس آموزشکده اخترشناسی ایران و نویسنده کتاب *ابرمردان تاریخ نجوم و ریاضی ایران* در دوره‌ی اسلام.

۳- کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی گرایش علم‌سنجی دانشگاه تهران.

۴- استادیار گروه تاریخ علم دانشگاه تهران.

۵- دانشیار گروه تاریخ علم دانشگاه کالیفرنیا.

استاد بامداد رضوانیان^۱ در حوزه‌ی طراحی و نقاشی، نکته‌سنجی‌های استاد محمدرضا دادگر^۲، همراهی آقای شهرام سلطانی در حوزه چاپ و نشر و همکاری کلیه دانشجویان محترمی که در انجام این تحقیق به پژوهشگر یاری رساندند ممکن نبوده است.

در انتهای این گفتار، جا دارد به منظور بزرگداشت مقام استاد مهدی حسینی، از شیوه تدریس ایشان در دانشگاه و چگونگی تأثیرات مثبت و سازنده او بر دانشجویانش یاد کنیم. بعد از هر جلسه درس در کلاس‌های عملی، تمرینی برای جلسه بعدی به دانشجویان محول می‌شد تا در منزل انجام دهند. در جلسه بازدید تکالیف، دانشجویان متوجه می‌شدند که نکات فراوانی را در آثار خود رعایت نکرده‌اند. یادداشت و اعمال دقیق نکات مطروحه در نقاشی بعدی هم تأثیری در تقرب به نظر مطلوب استاد نداشت چون همواره موضوعی برای تذکر پیدا می‌شد. تأکید ایشان بر پنج محور اساسی در طراحی و پنج محور اساسی در نقاشی و تعداد زیادی نکات فرعی بود. پس از بارها تلاش بی‌نتیجه که همیشه با انتقادات جدیدی مواجه می‌شدند بالاخره در یکی از جلسات شعری را سروده و به توصیه‌ی استاد پیش از شروع کلاس، برای دانشجویان قرائت کردم. این شعر به گونه‌ای تنظیم شده بود که شامل هر ده محور اصلی مورد تأکید ایشان باشد. بعد از خاتمه‌ی رثاء منظوم، استاد حسینی با تأکید بر این نکته که هر ده محور بنیادین طراحی و نقاشی باید به راستی در عمق جان هنرمند فرونشینند و او را نورانی سازد. این شعر با احترام به هفت اورنگ^۳ افلاک در هفت بیت تنظیم و تقدیم شده است.^۴

۱- مدرس پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران.

۲- استادیار دانشگاه هنر تهران و مدیر گروه تصویرسازی پردیس بین‌المللی فارابی.

۳- تخت پادشاهی، سریر، جایگاه سلاطین.

۴- فارغ از هرگونه دیدگاه تقدس‌مآبانه نسبت به عدد ۷.

تاش پررنگ ثریا تویی سید مهدی دقت ناب زوایا تویی سید مهدی هنر ارباب وصایا تویی سید مهدی فخر طراحی دنیا تویی سید مهدی بعد نقشین قضایا تویی سید مهدی هر ده انگشت سجایا تویی سید مهدی تاج زرین رعایا تویی سید مهدی	قطره‌ی آبم و دریا تویی سید مهدی پرسپکتیو نگاهت همه نور است و امید همچو موسای خلیل آوردی ده فرمان طرح و نور و نیم سایه، تیرگی و بازتاب رسم، آستر، تجدید، رنگ‌گذاری، پرداخت به خدا دوست ندارم به تو مدیون باشم کو امیری که نگهبان کیانت باشد؟
---	--



چکیده

قرن چهارم هجری قمری، قرن شکوفایی اندیشه‌های علمی و هنری در بلاد مسلمانان خصوصاً ایران بوده است. بخشی از این شکوفایی را باید مرهون اقدامات دانشمندان مسلمان و بخشی را نیز باید مرهون دست و دلبازی حکمرانان وقت دانست. جدا از پیشرفت تمام علوم به مدد نضج نهضت ترجمه در این برهه، تلاش ستاره‌شناسان ایرانی، کمتر از بقیه علما نبوده و شایان توجه خاص است. در کنار گزارشات رصدی و تحقیقات منجمانی همچون صابی^۱، بیرونی^۲ و خراسانی^۳، تنها صورالکواکب/الثابته تألیف ابوالحسن عبدالرحمن بن محمد بن سهل صوفی رازی به ترسیمات پیکره‌های نجومی بر اساس ترجمه‌ای از توصیفات بطلمیوس یونانی و مشاهدات رصدی و غیره مزین گردیده است. در این کتاب، ۴۶ صورت فلکی (برخی منابع ۴۴ عدد) در هر دو نیم‌کره‌ی شمالی و جنوبی زمین مورد تشریح، توصیف و بررسی قرار گرفته‌اند. هدف از نگارش این تحقیق، ریشه‌یابی و تحلیل تصاویر نجومی موجود در نسخ مصور این کتاب و تأویل نشانه‌های بصری آن‌ها است. اشاره به "تصاویر نجومی" در این پژوهش، تلاشی برای ارائه تعریفی مستقل از صورت‌های فلکی اسطوره‌ای است. شیوه تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکردی تطبیقی است. گردآوری اطلاعات تحقیق، متکی بر مطالعه‌ی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای (مراجعه به منابع خطی، مقالات و مطالعات انجام شده)، مشاهدات، شرکت در همایش‌ها، بازدید از موزه‌ها و مصاحبه با اهل فن و هنر است. روش تحلیل داده‌ها کیفی و جامعه آماری تحقیق متشکل از چهل و شش نمونه شاخص از تصاویر صورفلکی کتاب صورالکواکب است. از کنکاش در منابع پژوهش، به شرحی که در ادامه آمده نتیجه گرفته می‌شود که در طول قرن چهارم هجری قمری، تنها یک مرجع مصور نجومی از نوع ترجمه و تألیف، در ایران به رشته تحریر درآمده است.

واژگان کلیدی (فارسی): صورفلکی، قرن چهارم ه. ق، صورالکواکب، صوفی رازی، آل بویه، نهضت ترجمه، نشانه‌های نجومی، اسطوره، کره‌ی سیمین.

۱- ابو عبدالله محمد بن جابر بن سنان صابی بنانی (۲۴۴-۳۱۷ ه. ق).

۲- ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ه. ق).

۳- ابو جعفر محمد بن حسین خازن خراسانی (متوفای ۳۵۰ تا ۳۶۰ ه. ق).

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

این کتاب، مستخرج از پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی محقق، تحت عنوان "تحلیل بصری نشانه‌های نجومی قرن چهارم هجری قمری در ایران" است که در پائیز سال ۱۳۹۵ با راهنمایی‌های ارزشمند استاد مهدی حسینی در دانشگاه هنر تهران از آن دفاع به عمل آمد و با درجه عالی پذیرفته شد. حدود یک سال و نیم طول کشید تا اطلاعات و داده‌های پراکنده و جسته و گریخته‌ای که معمولاً دانشجویان، با انگیزه‌ی تولید (نه خرید) پایان‌نامه خود جمع‌آوری می‌کنند به وضعیتی که شخصیت یک کتاب را شکل می‌دهد تبدیل شود. در این مدت، منابع بیشتری نیز تهیه و مورد مطالعه قرار گرفتند تا در تکمیل مقصود پژوهشگر به او کمک کنند. در ابتدا تصمیم بر آن بود که عیناً از همان عنوان پایان‌نامه برای این کتاب استفاده شود اما برای خروج از حالت پژوهشی صرف و جذب قاطبه‌ی علاقمندان، با اتکا به مباحث اصلی، عنوان از *تأویل نشانه تا تحلیل فسانه* برای آن برگزیده شد. همچنین برای احتراز از اتهام سرقت ادبی، پس از گزینش اولیه، با جستجو در اینترنت، مقاله‌ای با عنوان کمابیش مشابه "از تأویل اثر تا تحلیل متن" نگاشته‌ی دکتر حسین صافی پیرلوجه^۱ استخراج گردید که نوشته‌ی ارزشمندی در حوزه زبان‌شناسی است. جالب این‌جاست که ساختار عنوان کتاب بدون مواجهه با این اثر به ذهن پژوهشگر خطور کرده بود.

با عبور از توسعه‌ی بحث در مورد عنوان، مطالب این کتاب عمدتاً به دوره‌ای از زندگانی، فرهنگ و دانش در سرزمین پهناور ایران، اشاره می‌کند که چهار قرن^۲ است مسلمان شده و آوای اذانش بارها در شبانه روز، مردمش را به انجام فرائض واجب فرا می‌خواند. مردم کوچه و بازار و اشراف و بازرگانان و دانشمندان به ادای فریضه امر شده‌اند. پوشش اسلامی و آداب مخصوصه آئینی، اجزاء حتمی لوازم تسلیم است. یک

۱- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲- در این‌جا منظور چهارقرن از زمان حمله مسلمانان به ایران است.

دانشمند مسلمان، در این دوران، حکیمی است که ضمن آشنایی با رسوم دین، از فنون و دانش نیز مطلع است. برخی از آن‌ها طبابت می‌کنند، نَحُوسَت ایام را از روی منازل قمر و اجرام مُنیر آسمانی روایت می‌کنند، در حل مسائل هندسه و مشتقات ریاضی، ریاضت می‌بَرند، حسابدار حُکّامند و معلم مدارس اشراف. حکیم به آن سبب که عاشق دانش است عاقل است و از آن روی که معشوق درگاه احدیت، عاشق و مدام در حوض دل و دال در غوص و هرچند حکیم است اما برای امرار معاش، وابسته‌ی استرزاق از حاکم. حکیمی که گردن نهد، خلعت می‌برد و حکیم خود رای، تبعید و عندالاقضاء، نهادنِ گردن. واژه حکیم، انتخاب نگارنده است و دیگران برای این دو گروه فرهیخته، معانی دیگری در نظر گرفته‌اند.

در این سامان، آن را که علوم دنیوی آموخته، کاتب می‌نامند. کُتّاب با علما تفاوت دارند و می‌توان این تفاوت را از ظاهر آن‌ها نیز دریافت. غُلما (دانشمندان علوم دینی) طیلّسان^۱ می‌پوشند و در خراسان تحت الحَنَک^۲ می‌بندند و قدومشان مقدس است. مردم، گاه ورود عالم به شهر، آذین می‌بندند و آن گونه که در اسناد آمده، به جامه‌اش در می‌آویزند و خاک زیر پایش را بر چشم می‌کشند به رسم سُرْمه. با توجه به این اشارات، فارس مرکز کاتبان است و در شیراز، کاتب بالاتر از عالم محسوب می‌شود (مقدسی، ۳۵۵ هـ.ق، ۴۴۰).

خراسان، بهشت علما است و در آن دیار، عالمان از حشمت و حرمت بی‌نظیری برخوردارند آن‌چنان‌که وقتی عالمی زاهد، وارد خراسان می‌شود، مردم به استقبالش می‌روند و ردایش را لمس می‌کنند و خاک قدومش را برای شفا می‌برند (سبکی، ۱۳۵۵، ج ۳، ۹۱).

همان‌طور که گفته شد به زعم نگارنده، این، هر دو، نسبت به آنچه آموخته‌اند حکیم هستند، یعنی فرض می‌کنیم که هرکدام حسب مورد، مسلط بر دین و دانشند و به فراخور احوال و وضعیت خویشتن خویش و البته منصب اجتماعی، تمایز می‌یابند. بر این اساس، منجمین را نیز باید به همراه سایر دانشمندان این عصر از دسته‌ی کاتبان دانست. شاید از آن روی که مستخرجات علمیه را به توصیه امامان معصوم (ع) مکتوب می‌فرمودند.

در این میان به لحاظ جغرافیاسازی^۳، چند شهر مهم، نقش اساسی و کلیدی در اداره امور کشور دارند. بغداد مهم‌ترین آن‌هاست. شهری است که برای تمامی دنیای اسلام،

۱- نوعی سرانداز، چادرگونه

۲- دنباله‌ی پارچه‌ی انتهای عمامه که از زیر چانه به سمت بالای سر بسته می‌شود.

مرکزیت دارد. در سرزمین آریاییان (آئیریئنه، پرس، پرشیا) یا ایران^۱، ری، اصفهان، نیشابور، گرگان و همدان همگی مطیع بغداد بودند.

متأسفانه، درگیری‌های جسته و گریخته‌ای نیز میان دُول اسلامی دیده می‌شود. عباسیان، سامانیان، زیاریان و آل بویه در حال پیکار برای تسلط سیاسی بر یکدیگرند. بویه در حال قدرت‌گیری و گسترش است. در بحبوحه این پیکارها، دانش و ادب و هنر کماکان به اهتمام چهره‌های برجسته‌ای از اندیشمندان و کاتبان این عصر می‌درخشند. حضور وزیران با کفایت خاندان بویه در این سده، نقش قابل توجهی در جذب علما به دربار سلاطین دیالمه داشته است. این نقش چنان پررنگ است که رقابت شدیدی برای جذب دانشمندان به دربارها به منظور جلب نظر حاکمان وقت بوجود آورده است.

در این دوران، گفتار کُتاب و علما درحوزه‌های تخصصی هریک، برای آحاد مردم، در حکم حجت بوده است. معادل آن را می‌توان در اروپای سده ۱۶ تا اوایل سده ۱۹ یعنی عصر حاکمیت مدرنیته مشاهده کرد. اکثریت مردم، اُمی و تالی محسوب می‌شوند و حق انتقاد یا اظهارنظر ندارند. به تعبیری، علم، غلم قدرت است و در دستان روشنفکران قرار دارد.

اسلام، دین جهان‌گستر قرن‌های هفتم و هشتم میلادی که ایران، بین‌النهرین، مصر، شمال آفریقا و اسپانیا را تسخیرکرد از مسیحیت سخت‌گیری بیشتری داشت و به‌طور کلی، هرگونه تصویرپردازی را ممنوع می‌دانست ولی شاید به این سادگی، توقف هرنوع فعالیت هنری امکان‌پذیر نبود. هنرمندانی که اجازه بازنمایی و تصویرپردازی انسان را نداشتند قوه تخیل خود را به نقوش و نگاره‌ها معطوف کردند (گامبریج، ۱۳۸۵، ۱۳۱).

این وضعیت تا سالیان سال به قوت خود پابرجا بود و هرگونه انتقادی با سرکوب مواجه می‌شد و اگر افزایش سطح سواد در جامعه صورت نمی‌گرفت قیام منتقدین برای انتقال به پسامدرنیته‌ی متقدم به منظور تعدیل نگرش عامه اتفاق نمی‌افتاد. اجتماعی که افراد دانش‌پیشه و هنرمندش را، حسب مورد، با نقد مواجه نکند اجتماعی مرده است. هنر نیز در چنین جامعه‌ای رو به افول خواهد گذاشت مگر اینکه دوباره جاده نقد را به روی آن بگشایند. ذکر عبارت اخیر نوعی بیانیه^۲ از سوی نگارنده در مشروعیت تفکر انتقادی است.

۱- در فروردین ۱۳۱۴ ش، طبق بخشنامه وزارت امور خارجه، نام کشور در مکاتبات رسمی از پرس و پرشیا به ایران تبدیل شد.

دولت هنر آن زمان رنگ افول گرفت	که جاده‌ی نقد را به روی آن بستند
نفس نمی‌توان کشید در هوایی که	قلم‌ها به اتهام جمله، بشکستند
زبان سرخ، داده سرهای سبز به باد	نونه‌الان سبز، زین مزار، برجستند
آزاد مردان منتقد که غلتیدند به خاک	چو رستاک ز دل ناپاک، وا رستند
عرق نقاش، جوهر خطاط و سوز دل	همه از جنس خونِ ناقدان هستند
آنان که در مقام بیان عیب و ایرادات	شجاعانه به منشور عشق پیوستند
سبوی حقیقت کشیدند سر، نترسیدند	چو با دیدن وجوه کمال سرمستند
دم وصل، بازماندگان را به تداوم نقد	سفارش نمودند و بر تخت بنشستند
هنر همان نقد است گر عاشق هنری	آنان که رندانه عیب گفتند تردستند

محقق با این نظر آقای دکتر گیاهی یزدی در مقدمه کتاب *تاریخ نجوم در ایران* کاملاً هم‌عقیده است که به هیچ وجه نباید با بزرگ‌نمایی و اغراق، اهمیت دستاوردهای نجوم ایرانی در دوره اسلامی را فراتر از واقع نشان دهیم. انتقال درست مفاهیم و دستاوردهای علمی نجوم در تمدن‌های گوناگون (بر اساس اسناد متقن تاریخی) در ایجاد تفکر واقع بینانه علمی تأثیر زیادی دارد (گیاهی یزدی، ۱۳۸۸، ۵). عدم مداخله احساسات و عواطف میهنی در یک پژوهش علمی نیز نوعاً نقد محسوب می‌شود. نقدی که به موجب آن، منتقد، خود را موظف به حذف صفت هواداری افراطی از شخصیتی خاص می‌داند تا کُنه اثر، آن‌گونه که هست رخ بنمایاند نه آن‌گونه که می‌خواهند. خوشبختانه دین اسلام، انسان را به تحصیل و مطالعه دانش تشویق کرده و می‌کند زیرا برآن است که همه‌ی علوم بایستی در نهایت، او را به سوی خداوند سوق دهند. مُسلِم با این اعتقاد که هرچه علم عالم بیشتر شود، خدا را بهتر می‌شناسد به این نتیجه می‌رسد که علم، موجب درک اهمیت و عظمت پروردگار و نهایتاً خوف از خدا می‌شود و همین خوف، مسلمان را برمی‌انگیزد تا در انجام تمام کارهایش، دستورات خالقش را به کار گیرد. بدیهی است اگر اسلام به کسب و گسترش علم در بین مسلمانان توصیه نمی‌کرد امروزه جوامع مسلمان از عقب‌مانده‌ترین تمدن‌های بشری محسوب می‌شدند.

در این زمینه، آیات متعددی در قرآن کریم نازل شده و به پشتیبانی آن‌ها، احادیث معتبری نیز مطرح شده‌اند.

از قرآن کریم:

- إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ: از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می‌ترسند.^۱
 - يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ: خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.^۲
 - وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ: گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله در باره خدا برمی‌خیزند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند.^۳
 - قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند.^۴
 - إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِ الْعُلَمَاءِ: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند.^۵
- روایات متعددی نیز از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) در بزرگداشت مقام علم برجای مانده است:
- هر که دانش بجوید، روز خود را به روزه گذرانده و شبش را به عبادت.^۶
 - جویای دانش، جویای رحمت است. جوینده دانش رکن اسلام است و پاداشش با پیامبران داده می‌شود.^۷
 - اگر مردم می‌دانستند که علم چه فوایدی دارد، هر آینه در جستجوی آن بر می‌آمدند، گرچه در راه آن خون بریزند و در ژرفای دریاها فرو روند.^۸
 - دانش را فرا گیرید، گرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است.^۹

۱- آیه ۲۸ سوره فاطر.

۲- آیه ۱۱ سوره مجادله.

۳- آیه ۳ سوره حج.

۴- آیه ۹ سوره زمر.

۵- آیه ۲۸ سوره فاطر.

۶- منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جُبعی مشهور به شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ ه.ق).

۷- کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، علاءالدین علی بن حسام (۸۸۵-۹۷۵ ه.ق).

۸- عوالی اللآلی (عوالی اللآلی)، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم (ابن ابی جمهور) احسانی (قرن دهم ه.ق).

۹- کنز العمال.

- هرگاه مؤمن بمیرد و یک برگه که روی آن علمی نوشته شده باشد از خود برجای گذارد، روز قیامت آن برگه، پرده میان او و آتش می‌شود و خداوند تبارک و تعالی به ازای هر حرفی که روی آن نوشته شده باشد، شهری هفت برابر پهناتر از دنیا به او می‌دهد.^۱

- جوانان را در دو حالت دوست دارم: یا عالم باشند و یا در طلب علم.^۲

تکیه بر همین مستندات و اوصیا، موجب شد تا کتابت و تصویرسازی علمی به انگیزه آموزش و ترویج علم که بارها در اسلام مورد توجه و تقدیر واقع شده است راه خود را هموار سازد و رسماً مشروعیت یابد. اما با توجه به این که احتیاط، شرط عقل است (اصاله الاحتیاط^۳)، نمی‌توان انتظار داشت که هنرمندان این عصر بدون رعایت همه جوانب (شرعی و قانونی) و تنها بر اساس تفسیر شخصی از کتاب و سنت و فتاوی، به جمع‌آوری یا بازنشر مطالب هنری ولو در قالب جرید علمی ادامه دهند و نسبت به آموزش و انتقال آن‌ها از طریق دست نوشته‌های خود اهتمام ورزند به همین دلیل در دو قرن اول و دوم قمری تصاویر زیادی از شمایل‌ها و آثار هنرمندان صورت‌نگر مشاهده نمی‌شود.

ارنست گامبریچ در بخش دیگری از کتاب خود، ممنوعیت تصویرسازی و نگارگری در اسلام را در واقع موجبی برای اعتلا و پیشرفت هنر برمی‌شمارد به‌طوری که می‌نویسد: این نگاره‌های دل‌انگیز و نقوش پرمایه‌ی رنگین را در نهایت باید مدیون اسلام باشیم که فضایی را بوجود آورد که در آن، هنرمندان از مسایل دنیوی و امور واقع، روی بگیرند و در سپهر رویایی و تخیلی خط و رنگ ناب سیر کنند. مذاهبی که بعدها در کشورهای اسلامی حاکم شدند در تعبیرشان از ممنوعیت و حرمت تمثال‌ها، تساهل بیشتری نشان دادند. آن‌ها نقاشی اشخاص و وقایع را تا آنجا که ربطی به دین نداشت مجاز دانستند (همان، ۱۳۱). این موضوع کاملاً قابل درک است که تولد و تداوم تصاویر نجومی و صور افلاک (شامل شمایل مردان و همچنین زنان کم‌حجاب) در این دوران مدیون اهمیتی بوده که اسلام برای علم قائل شده است.

نوشتار پیش رو با هدف آشناسازی مخاطبین با صورت‌های فلکی قرن چهارم هجری قمری و سرمنشأ تولید هر یک از طریق مطالعه اسطوره‌های مشترک اقوام گوناگون و به همراه تحلیل بصری آن‌ها با تکیه بر دانش نشانه‌شناسی تألیف شده و شامل چهار فصل

۱- امالی (املاءها) الشیخ الصدوق (۳۰۶-۳۸۱ ه.ق).

۲- امالی شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ه.ق).

۳- در جایی که تکلیف و وظیفه معلوم است ولی در انجام و اتمام آن تردید (شک در مکلف‌به) باشد باید چنان عمل کرد که یقین قطعی به انجام تکلیف پیدا شود (محمدی، ۱۳۷۰، ۳۱۳).

است. بعد از کلیات پژوهش که فصل اول به آن اختصاص یافته، در فصل دوم به جایگاه نجوم در ادوار تاریخی ایران اشاراتی شده تا میزان استفاده از اطلاعات فنی این دانش توسط ایرانیان قبل و بعد از دوران اسلامی مشخص شود. همچنین خاستگاه صورت‌های فلکی و اسطورگان باستانی نزد اقوام مختلف مورد یک بازبینی مختصر قرار گرفته است. در فصل سوم به یک بررسی کلی در مورد متغیرهای اجتماعی در تشکیل سندی مکتوب به نام *صورالکواکب* پرداخته شده و آثار نجومی از صدر اسلام تا قرن سوم و آنچه که بین سال‌های ۳۰۰ تا ۴۰۰ هجری قمری (سده چهارم هجری) یعنی عصر طلایی دوران اسلامی، نوشته شده‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سرانجام در فصل پایانی، با تعیین نسخه مورد بررسی، پس از اشاره‌ای اجمالی به دانش نشانه‌شناسی و نظرات نشانه‌شناسان مشهور معاصر، تصاویر نجومی برجای مانده از این سده که مجموعاً در دست‌نوشته عبدالرحمن صوفی رازی، منجم مشهور دربار عضدالدوله دیلمی، گردآوری شده‌اند مورد تحلیل نشانه‌شناسانه قرار گرفته‌اند.

معرفی یک سند نجومی یونانی به زبان عربی، رمزگشایی از تصاویر منحصر به فرد آن، بررسی انگیزه نگارنده (مترجم) کتاب برای تبدیل شمایل‌های یونانی به شمایل‌های **دلخواه**، تلاش برای کشف و معرفی نقاش ترسیمات، معرفی آثار علمی و ترجمه‌های عبدالرحمن و میل باطنی شاه شجاع پناه خسرو عضدالدوله دیلمی^۱ به گسترش علم و استفاده از صاحبان فن در پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و فرهنگی مردم ایران و انتساب اصالت حقیقی نخستین صورت‌های سپهری شناخته شده به آریایی‌ها از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق هستند.

پیش‌تر، در برخی از کتب و مقالات چاپ شده در مورد *صورالکواکب*، تألیف محتوای فنی و ترسیم صورفلکی آن تماماً به مولف آن نسبت داده شده بود اما **بررسی‌ها و گزارشات** محققان تاریخ علم، با استناد به نوشته‌های درون متنی موجود در منبع اصلی ثابت کرد که آنچه در *صورالکواکب* نگاشته و ثبت شده در واقع ترجمه‌ای از کتاب *المجسطی*^۲ (کار بزرگ و عظیم)، یکی از معروف‌ترین کتب بطلمیوس^۳، دانشمند یونانی قرن دوم میلادی است. با اینکه در سراسر مأخذ مزبور، هیچ تصویری از صورت‌های فلکی وجود ندارد اما عبدالرحمن یا کسانی به نیابت از او در کنار ترجمه متن یونانی، ۴۴ (یا

۱- عضدالدوله ابوشجاع پناه خسرو (فناخسرو) دیلمی (۹۳۶ - ۹۸۳ میلادی) مهم‌ترین سلطان آل بویه در ایران و عراق.

2- Almagest

3- Ptolemy

۴۶) صورت فلکی را به صورتی بومی سازی کرده‌اند که با مشخصات نجومی محدوده صورت‌واره‌های یونانی منطبق است. چگونگی این تصویرسازی، موضوعی است که در طول پژوهش پیش‌رو به آن پرداخته خواهد شد. با توجه به این که نسخه‌ی اصلی اولیه مفقود شده و احتمالاً از بین رفته است نمی‌توان در خصوص ویژگی تصویرسازی‌های آن (به شرط وجود تصاویر) اظهار نظر کرد. مشاهده نقاشی‌های نسخ متعاقب، این پیش‌بینی را قوت می‌بخشد که نگارنده یا همکار تصویرسازش، احتمالاً با اقتباس از توصیفات و شرح مندرج در مقاله‌های کتاب بطلمیوس، نقش‌واره‌های حک شده بر کرات نجومی فلزی، برخی جای نمودهای مشوت بر اسطرلاب‌ها و سایر منابع موجود، نگاره‌های مورد بررسی را به صورالکواکب اضافه کرده باشد. عقیده‌ای دیگر که محقق نیز طرفدار آن است این که مترجم فقط متن المجسطی را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرده و هیچ تصویری به آن اضافه نکرده است اما در استنساخ بعدی، این تصاویر زینت بخش آن شده‌اند که این مدعی، البته دست کم در مورد پسر عبدالرحمن به شرحی که بعداً خواهد آمد تا حدودی صدق می‌کند. نمونه‌هایی از این شعرگونه‌ی نجومی را که اصل آن در موزه‌ی رضا عباسی نگهداری می‌شود در این جا می‌بینید.



تصویر شماره‌ی ۱- پگاسوس (راست) و آندرومدا (چپ) و صفحه‌ی دیگری (صفحه بعد) در ارجوزه صورالکواکب، منظومه ابی‌علی بن صوفی رازی (۵۵۴ هـ ق)، مکتب سلجوقی، شماره‌ی ثبت: ۵۷۰، موزه‌ی رضا عباسی

تعریف مسئله

همان گونه که در مقدمه گفته شد، قرن چهارم هجری قمری از دوره‌های درخشان علمی، ادبی و عرفانی در جهان اسلام و به ویژه در کشور ایران است. دانشمندان سرشناسی مانند ابن سینا، ابوریحان بیرونی، ابونصر فارابی، زکریای رازی، صوفی رازی، ابن ندیم و البتانی که به نوعی، بنیان گذاران عصر طلایی اسلامی محسوب می‌شوند، همه در این دوره می‌زیسته‌اند و تحقیقات و تألیفات ارزشمندی از آن‌ها برجای مانده است.

تنها میراث مصور نجومی قرن چهارم هجری، کتابی است به نام *صورالکواکب الثابتة* که توسط **ابوالحسن عبدالرحمن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی**، منجم دربار عضدالدوله دیلمی، سلطان مشهور آل بویه، به رشته‌ی ترجمه و تحریر درآمد و (چندی بعد) به زیور **تصویر** آراسته شد. هرچند تاکنون پژوهشگران متعددی، جنبه‌های فنی این کتاب (محاسبات و رصد) را بارها مورد بررسی قرار داده‌اند اما هیچکس تا به امروز به بررسی همه‌جانبه نشانه‌های تصویری صورت‌واره‌های نجومی آن نپرداخته است. با توجه به این کاستی و ضرورت وجود دیدگاهی نو با رویکردی نشانه‌شناسانه، در این کتاب سعی شده تا نقوش مورد استفاده در قدیمی‌ترین نسخه خطی *صورالکواکب* مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و رمزگان به کار رفته در این صور در حد توان و با تکیه بر منابع و امکانات موجود، مورد تشریح و تأویل قرار گیرند، موضوعی که تاکنون، زمینه ساز هیچ نوع تحقیقی از این دست در ایران قرار نداشته است. برای تحلیل نشانه‌های نجومی این کتاب به ناچار چندین قدم به گذشته برگشته‌ایم و با جمع‌آوری و تأویل نشانه‌های نخستین، بر حجم این کتاب افزوده‌ایم. امید که این حجم‌افزایی بی‌ثمر نبوده باشد.

پیشینه پژوهش

در خصوص موارد مرتبط با این تحقیق مقالات و کتب چندینی به انجام رسیده‌اند:

- افروغ، محمد (۱۳۹۰) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان "مفاهیم نجومی به عنوان شکل و صور تزئینی آثار فلزی دوره سلجوقی"، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه مفاهیم و مضامین نجومی برای هنرمندان فلزکار دوران سلجوقیه موارد استفاده تزئینی

داشته‌اند. در این تحقیق هیچ نوع تحلیلی نسبت به نقش‌مایه‌های به کار رفته در نگاره‌های نجومی ارائه نشده است.

- بیگ باباپور، یوسف (۱۳۸۸) درطول مقاله‌ی پژوهشی "منجمی از ری، نگاهی به آثار و نظریه‌های نجومی عبدالرحمن صوفی رازی" تلاش کرده تا محتویات فنی کتاب صورالکواکب و اهمیت کار نویسنده‌ی آن را مورد شرح و تمجید قرار دهد اما هیچ‌گونه توضیحی درباره‌ی نشانه‌های موجود در صورفلکی این کتاب ارائه نداده و در مجموع، مقاله مذکور فاقد هرگونه تحلیل بصری نشانه‌شناسانه است.

- بیگ باباپور، یوسف و غلامیه، مسعود (۱۳۹۱)، در مقاله "معرفی نسخه خطی منظومه نجومی" / *رجوزه صورالکواکب*، ضمن معرفی عبدالرحمن صوفی و آثار او به دیوان اشعار پسرش علی ابن عبدالرحمن پرداخته ولی در مورد تصاویر فلکی آن هیچ توضیحی ارائه نداده است.

- عاشوری، الهام (۱۳۹۰) در پایان نامه‌ای با عنوان "بررسی نگاره‌های نجومی در کتب خطی ایران پس از اسلام"، به این نتیجه رسیده است که تصاویر نجومی مربوط به طالع بینی، با بیشترین رنگ و تصاویر علمی و فنی با حداقل رنگ، نگارگری شده‌اند. در تحقیق مشارالیها، اشاره مستقیمی به صورفلکی قرن چهارم هجری و خاصه، نقش مایه‌های نجومی *صورالکواکب* ولو از دیدگاه تنجیم نشده است.

- عزیززاده، فرزانه (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "صورالکواکب الثابتة"، به تحلیل نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ایران پرداخته و آن را از حیث متن نگاری مورد بررسی قرار داده است ولی در مورد تصاویر نجومی فقط به مختصات ویژه نقاشی سبک بغداد و تأثیر آن از نقاشی ایرانی دوره ساسانی اشاره مختصری کرده و بیشتر از این‌ها مطلبی ندارد.

- علیزاده غریب، حسین (۱۳۸۲)، در نقدنامه خود تحت عنوان "یک آسمان پر از ستاره"، به نقد نسخه افست ترجمه خواجه نصیرطوسی از عربی به فارسی پرداخته و نکاتی پیرامون چاپ جدید برشمرده و به هیچ وجه اعتنایی به تصاویر نجومی آن نداشته است.

- غزنی، سرفراز (۱۳۶۲) در کتاب خود، *آب‌مردان تاریخ نجوم و ریاضی ایران* در دوره اسلام، صرفاً به معرفی اهمیت و شهرت صوفی رازی در ایران و جهان پرداخته و